

بسم الله الرحمن الرحيم

برپایی دولت بر منهج نبوت از دیدگاه حزب التحریر

(ترجمه)

پیروی از رسول الله صلی الله علیه وسلم واجب است؛ زیرا آیات بسیاری در قرآن کریم به اقتدا و پیروی از او فرمان داده‌اند؛ از جمله فرموده‌^۱ الله سبحانه و تعالی:

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾ [الأحزاب: ۲۱]

ترجمه: به‌راستی برای شما در (شخصیت) پیامبر الله الگویی نیکوست.

و نیز فرموده‌^۲ الله متعال:

﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ﴾ [آل عمران: ۳۱]

ترجمه: بگو؛ اگر الله را دوست دارید، از من پیروی کنید تا الله نیز شما را دوست بدارد.

و در آیه‌ای دیگر می‌فرماید:

﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾ [الحشر: ۷]

ترجمه: آنچه پیامبر برای شما آورد، بگیرید و هرچه از آن بازتان داشت، بازایستید.

امروز وضعیت مسلمانان به مرحله‌^۳ مکی دعوت نبوی شباهت دارد؛ زیرا آنان در «دار کفر» زندگی می‌کنند، چون به احکامی جز آنچه الله سبحانه و تعالی نازل کرده حکم می‌رانند. (اصطلاح «دار» واژه‌ای فقهی است که در کتاب‌های فقه به تفصیل درباره‌اش بحث شده است.)

این واقعیت اقتضا می‌کند که در مسیر تغییر، از منهج مکی پیروی شود؛ همان طریقه‌ای که رسول الله صلی الله علیه وسلم در مسیر برپایی دولت اسلامی پیمود و سه مرحله‌^۴ اساسی را در آن طی کرد:

مرحله‌^۵ آموزش و ساخت هسته‌^۶ فکری حزبی: این مرحله با ارتباط‌های فردی برای نشر اندیشه آغاز شد، همان‌گونه که پیامبر صلی الله علیه وسلم در دوران دعوت پنهانی، با تشکیل حلقه‌های آموزشی، شخصیت‌های اسلامی کامل و آگاه را پرورش داد.

در همین چارچوب، حزب التحریر نیز این مرحله را در شهر قدس در سال ۱۹۵۳ میلادی آغاز کرد، به رهبری مؤسس بزرگوارش شیخ تقی‌الدین النبهانی رحمه‌الله، که هدفش تربیت نسلی آگاه، مؤمن و اندیشمند برای حمل دعوت اسلامی بود.

مرحلهٔ تعامل با جامعه: این مرحله از طریق مبارزه فکری، مبارزهٔ سیاسی و طلب نصرت از اهل قدرت و نفوذ تحقق می‌یابد. در این مرحله، سخن و دعوت به‌صورت عمومی و گروهی مطرح می‌شود؛ با برگزاری سخنرانی‌ها، نشست‌ها و انتشار بیانیه‌ها برای مقابله با اندیشه‌های منحرف و نظام‌های کافر، همان‌گونه که پیامبر صلی الله علیه وسلم در برابر قریش ایستاد.

حزب‌التحریر نیز این مرحله را در پیش گرفته و تمرکز خود را بر مبارزهٔ فکری علیه عقاید و اندیشه‌های کفر و بر کفاح سیاسی علیه حاکمان و استعمارگران گذاشته است؛ با افشای آنان، و با پذیرش و پیگیری مسائل امت بر اساس احکام شرع.

در نتیجهٔ این تلاش‌ها، حزب توانسته است افکار عمومی جامعه را پیرامون دعوت اسلامی شکل دهد و نگاه‌ها را به سوی بازگشت به اسلام راستین معطوف کند.

مرحلهٔ به‌دست‌گیری حکومت: این مرحله پس از موفقیت در دو مرحلهٔ نخست و شکل‌گیری افکار عمومی در امت بر پایهٔ آگاهی گسترده و نیز درخواست نصرت از اهل قدرت و نفوذ برای برپایی خلافت تحقق می‌یابد.

رسول الله صلی الله علیه وسلم نیز همین مسیر را پیمود؛ پس از آن‌که رأی و حمایت عمومی را به‌دست آورد، از بزرگان قریش، طائف و سران قبایل گوناگون مانند کِنده و بنی‌شَیبه و دیگران طلب نصرت می‌کرد.

سرانجام با یاری و بیعت انصار در «عقبه» پیروز شد و پس از آن، اسلام را به‌عنوان نظامی جامع برای زندگی به اجرا درآورد.

همین طریقه‌ای که حزب‌التحریر در پیش گرفته، ویژگی‌ها و امتیازهایی به آن بخشیده است که همهٔ گروه‌ها و جریان‌های فعال اسلامی از آن بی‌بهره‌اند. این حزب با شفافیت و صراحت کامل شناخته می‌شود؛ در برابر باطل هیچ سازش و مجامله‌ای ندارد و درعین‌حال، تنها به کار سیاسی پایبند است، نه خشونت. این پایبندی ریشه در فرمان الهی دارد، آن‌جا که الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ﴾ [الحجر: ۹۴]

ترجمه: آنچه را بدان مأمور شده‌ای آشکارا بیان کن و از مشرکان روی بگردان.

از دیگر ویژگی‌های حزب، شکیبایی در برابر آزارها و فشارهاست، همان‌گونه که پیامبران صبر ورزیدند؛ بی‌آن‌که به زور و سلاح متوسل شود، مگر در حالت دفاع از سرزمین‌های اسلامی. تمرکز اصلی حزب همچنان بر نبرد فکری و کفاح سیاسی است تا اندیشه و آگاهی را جایگزین خشونت سازد.

شباب حزب با دشواری‌ها و صعوبات فراوانی روبه‌رو هستند؛ از آزارهای سخت حکام چون زندان، شکنجه، منع سفر و قیودات فراوان، اما آن‌ها مبارزه را به‌صورت مسالمت‌آمیز ادامه دادند، پیروی از تحملی که پیامبر صلی‌الله‌علیه وسلم در مکه داشتند، دارند. امروز نیز حزب دعوتش را با امید به برپایی خلافت ادامه می‌دهد و بر این محورها تمرکز دارد.

تربیت رجال دولتی و مدیران شایسته، شکل‌دادن به افکار عمومی امت در حمایت از اندیشه‌های اسلامی. افشای توطئه‌های استعمارگرانه که علیه امت طرح‌ریزی شده‌اند. پی‌گیری و حمایت از منافع واقعی و حیاتی امت.

حزب تأکید می‌کند که طریقه او مبتنی است بر ثبات در هدف و مسیر، نوآوری در شیوه‌ها و وسائل، و پای‌بندی به الگوی نبوی برای تحقق یک تغییر ریشه‌ای و همه‌جانبه.

دولت‌های غربی همواره می‌کوشند اندیشه‌های اسلامی را تحریف و تخریب کنند، به‌ویژه آن دسته از اندیشه‌های سیاسی‌ای را که موجب بیداری امت می‌شوند. یکی از محورهای اصلی حملهٔ آنان، تردید افکنی در روش تغییر و حرکت حزب‌التحریر است، از جمله در موضوع:

طلب نصرت از ارتش‌ها؛ در این زمینه، روش حزب متهم می‌شود که گویا «غیرواقع‌بینانه» است یا با شرع در تضاد قرار دارد.

پاسخ شرعی دربارهٔ روش طلب نصرت از اهل قدرت و ارتش‌ها دلایل شرعی از قرآن و سنت.

بیعت عقبه، نمونه‌ای روشن از طریقه نبوی در طلب نصرت از اهل قدرت و شوکت است یعنی قبیله‌های اوس و خزرج برای برپایی دولت اسلامی. آنان با پیامبر صلی الله علیه وسلم بیعت کردند تا او را یاری و حمایت کنند.

این اقدام نشان می‌دهد که طلب نصرت از اهل قدرت، نه تنها مشروع بلکه بخشی از سنت عملی رسول الله صلی الله علیه وسلم در مسیر برپایی دولت اسلام است. حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم که می‌فرماید:

«أَمِرْتُ أَنْ أَقَاتِلَ النَّاسَ حَتَّى يَشْهَدُوا أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» (رواه مسلم)

ترجمه: مأمور شده‌ام با مردم بجنگم تا هنگامی که گواهی دهند که معبودی جز الله نیست و محمد پیامبر الله است.

نشان می‌دهد که هر تغییر واقعی به نیروی اجرایی و قدرت عملی نیاز دارد. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

(وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ) [الأنفال: 60]

ترجمه: برای مقابله با آن‌ها هرگونه نیرویی که می‌توانید آماده سازید.

در اینجا واژهٔ «قُوَّة» در معنای ارتش‌ها و ابزارهای حاکمیت تفسیر می‌شود. هم‌زمان باید فرق بین «طلب نصرت» برای برپایی دولت خلافت و کودتاهای نظامی‌ای که پشت آن‌ها دولت‌های کافر قرار دارند، به‌روشنی دیده شود.

طلب نصرت بر پایهٔ این امور استوار است:

۱. ساختن رأی عام که از آگاهی همگانی در امت اسلامی نشأت گرفته باشد یعنی آشنا کردن مردم با اندیشه‌های اسلامی و جلب رضایت و همراهی افراد مؤثر (از جمله نیروهای مسلح) که خود جزئی از امت‌اند.

۲. تغییر مفاهیم و افکار پیش از تغییر ساختارها و نظام‌ها؛ یعنی اصلاح دیدگاه‌ها و مبانی فکری تا زمینه برای یک نظام منبثق از اسلام فراهم شود.

۳. برپایی دولتی اسلامی که در آن حاکمیت از آن شریعت باشد و سلطان/قدرت اجرایی از آن امت.

اما کودتاهای نظامی که در بسیاری از سرزمین‌ها رخ داده‌اند، در واقع اقداماتی نظامی در خدمت دولت‌های استعمارگر بوده‌اند، و حزب این نوع عمل را رد می‌کند، زیرا چنین اقداماتی باعث می‌شود دولت از استقلال و حاکمیت خود تهی گردد و به قدرت‌های بیگانه وابسته شود.

پاسخ به اتهام عدم واقع‌گرایی: از دیدگاه شرعی پیروی از طریقه رسول الله صلی الله علیه وسلم واجب است و «طلب نصرت» بخشی از همین طریقه است؛ پس انجام آن یک فریضه شرعی به شمار می‌رود.

از دیدگاه تاریخی: تجربهٔ تاریخ نشان می‌دهد که هیچ دولتی در جهان بدون داشتن قدرت برپا نشده است؛ زیرا وجود قدرت و توان اجرایی، شرط اساسی برای تأسیس هر دولت است.

در واقعیت معاصر، باید دانست که ارتش‌های موجود در سرزمین‌های اسلامی از فرزندان همین امت تشکیل شده‌اند؛ افسران و سربازان‌شان مسلمان‌اند، از مال و منابع این امت ارتزاق می‌کنند و جزئی از پیکرهٔ امت بزرگ اسلامی‌اند. در میان آنان مردانی نیک، مؤمن و غیور فراوان‌اند که عزت دین‌شان را می‌خواهند. پس چه عیبی دارد اگر امت آنان را به مسئولیت دینی‌شان فراخواند و برای قیام در راه حق و حمایت از امت اسلامی برانگیزد؟ تاریخ گذشته و حال گواه است که در صفوف ارتش‌های مسلمان، مردانی وجود دارند که وقتی حق را بشناسند، هرگز از آن دست نمی‌کشند.

ردّ اتهام «انزواطلبی» به دلیل نپذیرفتن مشارکت سیاسی: برخی حزب را متهم می‌کنند که چون در فعالیت‌های سیاسی مانند پارلمان شرکت نمی‌کند، در انزواست. اما پاسخ شرعی روشن است:

۱. از دیدگاه شریعت: حکومت بر اساس غیر آنچه الله سبحانه و تعالی نازل کرده، حرام است. چنان‌که الله تعالی می‌فرماید:

(وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ) [المائدة: 44]

ترجمه: و هر کس به آنچه الله نازل کرده حکم نکند، پس آنان همان کافران‌اند.

شرکت در پارلمان‌ها در حقیقت به معنای قانون‌گذاری برخلاف حکم خداست، و این نوع تشریع، کفر آشکار به شمار می‌رود. حدیث شریف رسول الله صلی الله علیه وسلم که می‌فرماید:

«لَا طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ»

ترجمه: در نافرمانی خالق، اطاعت از هیچ مخلوقی روا نیست.

به‌روشنی نشان می‌دهد که پیوستن به نظام‌هایی که قوانین بشری و غیراسلامی وضع می‌کنند، جایز نیست.

۲. تفاوت میان «مشارکت سیاسی و فعالیت سیاسی»

مشارکت سیاسی یعنی پذیرش و همکاری با نظام‌های موجود خواه سرمایه‌داری باشند یا سوسیالیستی که اساساً با اسلام در تضاد کامل‌اند؛ از این‌رو چنین مشارکتی مردود است.

اما فعالیت سیاسی، به معنای رسیدگی به امور مردم بر پایهٔ اسلام است؛ یعنی امر به معروف و نهی از منکر، افشای فساد نظام‌های حاکم و دعوت مردم به پذیرش اسلام به‌عنوان نظام کامل زندگی در عرصهٔ سیاست، اقتصاد و سایر بخش‌ها و دقیقاً این همان کاری است که حزب انجام می‌دهد.

پاسخ به اتهام انزوای طلبی

۱. طرح عملی حزب: «پروژهٔ قانون اساسی خلافت» که توسط حزب تنظیم شده، نشان می‌دهد حزب نه تنها سیاست را رد نمی‌کند، بلکه بدیل عملی و نظام‌مند اسلامی برای آن ارائه می‌دهد. آنچه حزب رد می‌کند، ادغام یا مشارکت در حکومت‌های فاسد و غیراسلامی سرمایه‌داری است، نه اصل سیاست و ادارهٔ امور امت.

۲. ناکامی الگوهای مشارکت سیاسی: تجربهٔ جنبش‌های موسوم به «اسلام‌گرا» در مصر و تونس ثابت کرده است که مشارکت در ساختارهای موجود نه تنها به تغییر منتهی نمی‌شود، بلکه موجب وابستگی، سازش و تأیید باطل می‌گردد؛ یعنی به جای اصلاح، به استمرار همان نظام‌های غیراسلامی می‌انجامد.

مسئلهٔ «تکفیر و حذف دیگران»: برخی حزب را به تندروی و تکفیر متهم می‌کنند و می‌گویند او با حاکمان و جوامع در تقابل دائمی است.

پاسخ: حزب میان فعل و فاعل آن تفکیک می‌کند؛ یعنی حزب «فعل حکم کردن به غیر آنچه الله نازل کرده» را کفر می‌داند، اما افراد را تنها زمانی تکفیر می‌کند که شروط تکفیر در موردشان تحقق یابد و موانع آن برطرف شود.

همچنین اصطلاحاتی چون «دارالکفر» و «دارالاسلام» مفاهیمی شرعی‌اند که ریشه در فقه اسلامی دارند و حزب آن‌ها را از خود ابداع نکرده؛ بلکه بر اساس منابع شریعت به کار می‌برد.

نقد سیاسی مشروع: انتقاد از نظام‌های حاکم یک حق شرعی است، چنان‌که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود:

«إِنَّمَا الطَّاعَةُ فِي الْمَعْرُوفِ»

ترجمه: اطاعت فقط در کار نیک و مشروع است.

بنابراین، نقد و اعتراض به نظام‌هایی که از شریعت منحرف شده‌اند، نه تنها مجاز، بلکه وظیفه‌ای دینی است.

اتهام «جمود فکری و عقب ماندگی از زمان»: برخی حزب را متهم می‌کنند که چون از هنگام تأسیسش در دههٔ پنجاه میلادی بر همان منهج استوار مانده و مفاهیمی چون دموکراسی، حقوق بشر یا آزادی زن را نپذیرفته، دچار جمود است.

پاسخ حزب:

۱. تفکیک میان ثوابت و متغیرات: حزب میان اصول ثابت شرعی مانند وجوب برپایی خلافت و امور متغیر مانند ابزارهای دعوت فرق می‌گذارد. از همین‌رو، در عرصهٔ ابزار از فناوری‌های نوین مانند اینترنت، رسانه و شبکه‌های اجتماعی بهره می‌گیرد.

۲. طرح قانون اساسی خلافت: طرح «دستور خلافت» که حزب تنظیم کرده، پاسخ‌گوی بسیاری از مسائل معاصر همچون اقتصاد، آموزش، عدالت اجتماعی و روابط بین‌الملل است. پس کجای این روش، جمود و ایستایی است؟

۳. موضع نسبت به دموکراسی: حزب دموکراسی را نه از سر دشمنی با پیشرفت، بلکه به سبب تعارض آن با شریعت رد می‌کند. در واقع، اگر به منطق منتقدان بنگریم، خود دموکراسی اندیشه‌ای کهنه و برگرفته از یونان باستان است؛ پس بر اساس همان منطق، پیروی از آن نشانهٔ عقب‌ماندگی خواهد بود، نه پیشرفت.

اتهام بی‌توجهی به بُعد تربیتی و روحی: برخی حزب را متهم می‌کنند که به تربیت روحی و فردی اهمیت نمی‌دهد و تنها بر بُعد سیاسی تمرکز دارد، در نتیجه نمی‌تواند شخصیت اسلامی کامل و متوازن بسازد.

پاسخ حزب

۱. تأکید بر آموزش و پرورش فکری: حزب بر ساختن شخصیت اسلامی تأکید دارد و این کار را از طریق «حلقات آموزشی متمرکز» انجام می‌دهد؛ حلقاتی که بر پایهٔ روش تربیتی رسول الله صلی الله علیه وسلم در ساختن شخصیت صحابه بنا شده‌اند. از دید حزب، وقتی مفاهیم اسلامی در ذهن فرد به‌درستی شکل بگیرند، او را هم از نظر فکری و هم رفتاری دگرگون می‌سازند و معیار ایمان حقیقی، موضع‌گیری در برابر حق و باطل است، نه ظاهر یا ادعای زهد و عبادت.

۲. طریقه رسول الله صلی الله علیه وسلم: حرکت بر اساس طریقه پیامبر در برپایی دولت اسلامی، نه تنها واجب است؛ بلکه «تاج همهٔ واجبات» به‌شمار می‌رود. حزب‌التحریر گام‌به‌گام همین مسیر را دنبال می‌کند، نه برای منافع سیاسی، بلکه برای رضای الله سبحانه و تعالی.

در پایان، حزب دعا می‌کند و می‌گوید: اللهم أكرمنا بإقامة الخلافة الراشدة الثانية على منهاج النبوة؛ خدایا ما را به برپایی خلافت راشدهٔ دوم بر پایهٔ منهج نبوت گرامی دار!

نویسنده: محمد الأصبحی

مترجم: پارسا امیدی